

علیه گسترش سلاح‌های اتمی

برگردان و کوتاه شده: دکتر شاهین مسعود

پیامدهای روند جنگ سرد همچنان ادامه دارد. در چنین شرایطی و در پی آن، سلاح‌های سیاسی جای خود را به سلاح‌های جنگی نابودی بشری می‌دهند. با پایان به اصطلاح جنگ سرد، ساختار شرایط سیاسی موجود جهان و امید برای محدود کردن سلاح‌ها نه تنها بهتر نشده است، بلکه به مراتب ابعاد نگران‌کننده‌تری به خود گرفته است. یکی از دلایل بارز و اصلی این معضل با منافع یک سوئه - برتری طلبانه‌ی ایالت‌های متحد آمریکا در مقام قدرتمندترین نیروی فعلی در جهان مرتبط است، که حقوق خود را بر صدر قوانین حقوق جهانی قرار داده است. امر (پیشنهاد) مرکزی و محدود کردن سلاح‌های امحای جمعی تنها به وسیله‌ی کوشش همه جانبه‌ی همه‌ی کشورهای جهان و تنها با اتفاق نظر و آرای عمومی همه‌ی کشورها برآورده می‌شود. به همین سبب - امروزه مسأله‌ی اصلی، پیشگیری از یک جنگ اتمی، یا به عبارت دیگر عدم گسترش سلاح‌های اتمی است. برای این منظور یعنی جلوگیری از خطر یک جنگ اتمی - نه تنها حرف، بلکه اقدامات عملی با ارزش که محتوای آن منافع عموم بشری را تامین می‌کند لازم است.

در این رابطه در دهه‌ی ۹۰ سده‌ی بیستم اقداماتی انجام شد که از آن جمله‌اند:

- ۱- برچیده شدن ۹۵ درصد از سلاح‌های هسته‌ای غیراستراتژیک از اروپای غربی.
- ۲- از بین رفتن راکت‌های با برد متوسط ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ کیلومتری دو کشور روسیه و ایالت‌های متحد آمریکا.

با این همه، گسترش سلاح‌های هسته‌ای همچنان به عنوان بزرگ‌ترین معضل جهان سیاست هنوز باقی مانده است. به ویژه در چند سال گذشته یک رشته از جریان‌های

فزاینده‌ی کنونی (اخیر) خطر این موضوع را واضح‌تر کرده است.

- برنامه‌ی ایران در مورد غنی‌سازی اورانیوم که در چهارچوب کامل سوخت هسته‌ای صورت می‌گیرد، می‌تواند برای خاور نزدیک و میانه‌ی کوره‌ی سوزان جنگ را در منطقه داغ‌تر کرده و آن‌ها را - کشورهای خاور نزدیک و میانه - در مورد پذیرش سلاح‌های هسته‌ای تحریک و ترغیب کند.

- لیبی که به‌اعتراف خود یک برنامه‌ی اتمی غیرقانونی را مدنظر داشته، از آن صرف‌نظر کرده است.

- یک هیات از کارشناسان پاکستانی که در مرکز تحقیقات اتمی در هلند کار می‌کرده است، طرح غنی کردن اورانیوم را نیز در پاکستان انجام داده است و حتا به‌بعضی از کشورهای دیگر طرح آن را فروخته است.

- جمهوری دموکراتیک خلق کره - کره‌ی شمالی - خروج خود را از کشورهای عضو قرارداد انرژی اتمی (IAEO) اعلام کرد و به‌این وسیله این برداشت را با کمال تاسف زنده کرد که کره‌ی شمالی خراستار توسعه‌ی برنامه‌ی اتمی خود است.

- ایالت‌های متحد و روسیه برنامه‌ی اتمی خویش را بیش از هر کشور دیگری به‌پیش می‌برند و در این امر همچنان در راس و پیشاپیش همه‌ی کشورها هستند. البته جای تاسف و تأثر عمیقی است که همه‌ی مراحل این اقدامات و پیامدهای آن‌ها به‌جهانیان اعلام نمی‌شود، و اثرات منهدم‌کننده‌ی آن مخفی می‌ماند.

قرارداد تحدید سلاح‌های اتمی، NPT، در سال ۱۹۷۰ به‌تصویب رسید. این قرارداد سهم بزرگی در پیشگیری از گسترش سلاح‌های اتمی ایفا کرد. در عین این‌که روند ترکیب شرکت کشورها در آن به‌تدریج پیش رفت. با «پایان» جنگ سرد بیش از ۴۰ دولت، عضو این سازمان بودند. فرانسه، کوبا و جمهوری خلق چین بعد از آن وارد این سازمان شدند. امروزه تعداد اعضای آن به‌تقریب تمامی کشورهای جهان را در بر می‌گیرد.

آفریقای جنوبی کشوری است که به‌مجموعه برنامه‌ی هسته‌ای خود پایان داد. برزیل و آرژانتین پیش‌تر برنامه‌های هسته‌ای را تعقیب می‌کردند، لیکن امروزه به‌کشورهای عضو قرارداد تلاتکو (منطقه‌ی آزاد از اتم) آمریکای لاتین پیوستند و به‌این وسیله زیرنظارت جهانی قرار دارند.

۵۵ اُکراین و قزاقستان، که در قلمرو سرزمینشان تسلیحات اتمی اتحاد شوروی سابق قرار

داشت، به عضویت NPT درآمدند. تنها سه کشور هستند که خارج از قرارداد NPT قرار دارند که عبارتند از: اسرائیل، هند و پاکستان.

در حالی که هند و پاکستان - هر دو - به داشتن تسلیحات اتمی اقرار دارند، تاکنون هیچ دولت روی کار آمده‌ی اسرائیلی به داشتن این تسلیحات اعتراف نکرده است. تسلیحات اتمی هسته‌ای اسرائیل با تشکیل این دولت ارتباط تنگاتنگی دارد. بن‌گوریون، بنیانگذار کشور اسرائیل، بر این عقیده بود که اسرائیل به این تسلیحات احتیاج مبرمی دارد، برای این‌که به نظر وی، دیگر بار هولوکاستی تکرار نشود.

ایالت‌های متحد در ابتدا - در دهه‌ی شصت - کوشش کرده‌ که از روند تسریع و تکامل تسلیحات هسته‌ای اسرائیل جلوگیری کند، لیکن این امر میسر نشد. پرزیدنت نیکسون به رییس جمهوری وقت اسرائیل - خانم گلدامایر - قول داد که ایالت‌های متحد از کنار تسلیحات اتمی اسرائیل بگذرد، به شرط آن‌که اسرائیل آن‌ها را به‌طور رسمی اعلام نکند و در ضمن از آن‌ها هیچ‌گونه آزمایشی به‌عمل نیاورد. دولت‌های بعد از نیکسون در ایالت‌های متحد، همین سیاست را در قبال اسرائیل پیش گرفتند. دولت بوش حتا در این موضع نیز تجدید نظر کرده و با ایده‌ی به‌اصطلاح نوین - ولی مرتجعانه و نومحافظه‌کارانه تسلیحات اتمی دولت اسرائیل را قبول کرده است، همان‌طور که در مورد دولت‌های انگلیس و فرانسه همین مواضع اتخاذ شده است.

اسرائیل مهم‌ترین متحد آمریکا در خاورمیانه است. دولت‌های اسرائیلی تا به امروز هیچ‌وقت به تایید و تکذیب تسلیحات اتمی خویش اظهار نظری رسمی نکرده‌اند، لیکن منابع موثق و آگاه در ایالت‌های متحد و همچنین انستیتوی تحقیقاتی صلح در سوئد گواهی می‌دهند که اسرائیل ۲۰۰ راکتور هسته‌ای در اشکال بمب، کلاهک و راکت در اختیار دارد. به‌طور طبیعی این امر تأثیر منفی عظیمی در این منطقه دارد.

در دهه‌ی ۵۰ سده‌ی گذشته هند نیز به اقدامات لازم برای کسب بمب اتمی آغاز کرد. برای این کشور چند مساله به‌ویژه مهم بودند. روند تجدید دوباره‌ی چهره‌ی این کشور در جهان در مقام یک کشور مستقل و قدرتمند. در روزهای ۱۱ و ۱۳ ماه مه‌ی سال ۱۹۹۸ هند تسلیحات اتمی خود را آزمایش کرد و از همان زمان خود را به‌طور رسمی به‌عنوان کشور صاحب تسلیحات اتمی معرفی کرد.

این کشور اصل عدم استفاده و به‌کارگیری از بمب اتمی به‌عنوان کشور شروع کننده

دانشگاه علامه قزوینی
کتابخانه مرکزی
کتابخانه تخصصی
کتابخانه تخصصی
کتابخانه تخصصی

(کشور اول) در جنگ را امضا کرده است، اگرچه متذکر شده است که ظرفیت و توانایی آن را در خود می‌بیند. با این‌همه، چهارچوب و ابعاد قوت و قدرت نیروهای اتمی این کشور نیز هنوز روشن نشده است. آمارهای رسمی و غیررسمی توانایی این کشور را تا ۱۰۰ کلاهک اتمی برآورد می‌کنند. علاوه بر این، هند صاحب موشک‌های زمین به‌هواست که بُرد آن از ۱۵۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتر است همچنین موشک‌های زیردریایی آن نیز در حال تکوین است.

اقدامات تحریمی علیه هند به‌ویژه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و در زمان کلینتون تشدید شد. در زمان بوش بر سر استفاده‌ی صلح‌آمیز هند از انرژی اتمی بین ایالت‌های متحد و هند توافق‌نامه‌ای صورت گرفت که کشورهای اروپایی عضو اتحادیه‌ی اروپا با آن تصمیم موافقت کردند، در واقع فرانسه و اسپانیا خواهان جدی آن بودند.

در مقابله با روند تکاملی برنامه‌ی اتمی هند، پاکستان نیز در ماه مه‌ی سال ۱۹۹۸ آزمایش اتمی خود را انجام داد. برنامه‌ی تسلیحاتی پاکستان در ارتباط تنگاتنگ با برنامه‌ی اتمی هند است که به اصطلاح بتواند توان رقابت و مقابله با آن را داشته باشد. این‌ها در واقع همان دلایل و داستان‌آشنای باقی‌مانده از گذشته و دوران جنگ سرد است.

اگرچه کارشناسان بر این عقیده‌اند که پاکستان صاحب رقیبی بین ۲۴ تا ۴۸ سلاح هسته‌ای است، با این‌همه اعتقاد دارند که از آن میان تعداد کمی دارای خطرات بسیار جدی است. با وجود این نباید خطر را دست‌کم گرفت.

تکمیل جریان تکنولوژی هسته‌ای به وسیله‌ی گروه‌های اسلامی بنیادگرا در سازمان‌های مخفی، ارتش و در قسمت تحقیقات نظامی را نباید نادیده گرفت. این جریان را می‌توان از اقدامات عبدالقدیرخان در پاکستان که در یکی از حساس‌ترین ارکان دولتی حاکم مصالح مشخص خویش را پیش می‌برد، مشاهده کرد.

نام عبدالقدیرخان که پدر بمب اتمی پاکستان شناخته شده با نام «بمب اتمی اسلامی» گره خورده است.

او و هم‌ردیفان او نقشی تاسیسات و دستگاه مربوط به غنی کردن اورانیوم را مخفیانه کپی کردند و آن را در شبکه‌ی معامله‌های خویش با دیگر کشورها قرار دادند. آن‌ها مخفیانه این نقشه را به ایران، لیبی و کره‌ی شمالی فروختند و همچنین مواد و لوازم

مربوط به تکمیل بمب اتمی را در اختیار آن‌ها قرار دادند. لازم به یادآوری است که پاکستان عضو قرارداد عدم گسترش سلاح‌های اتمی نیست، به این ترتیب سازمان انرژی اتمی (IAEO) در وین هیچ‌گونه نظارتی بر آن ندارد. این سازمان ۲۰۰ کارشناس و بازرس مجرب دارد که می‌تواند تشخیص دهد که از تاسیسات هسته‌ای ماده‌ی اتمی (مربوط به بمب اتمی) جداگانه تولید نشود. براساس قوانین جدید مربوط به این انستیتو، بازرسان اجازه دارند بدون اطلاع قبلی به کنترل خود در این موارد بپردازند.

مسئله‌ی عراق، اطمینان به این موسسه و بازرسان آن را در مورد این که عراق مجهر به تجهیزات اتمی نیست نشان داد؛ و نادرستی اطلاعات ساختگی سازمان‌های جاسوسی - اطلاعاتی کشورهای غربی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را به شدت رد کرد.

تحریکات ایران

آیا نظام روحانیت (روحانیت حاکم) در ایران خواهان بمب اتمی است؟ برای ایدئولوگ‌های مرتجع عصر جدید که برای حمله‌ی نظامی به ایران خود را آماده می‌کنند جواب این پرسش واضح و مثبت است. دولت بوش و شخص وی براین عقیده است که با ابزاری که در اختیار NPT است نمی‌توان مشخص ساخت که آیا یک دولت در تاسیسات خودی تنها به دنبال درجه‌ی پایین (درصد پایین) و برای کسب انرژی یا درصد بالاتر غنی‌سازی برای تولید ماده‌ی منفجره‌ی هسته‌ای کوشش می‌کند.

در ارتباط با این قضیه، دولت بوش براین عقیده است که ایران به دلیل ضربه‌زدن به NPT که هیچ‌وقت اثبات نشده است، غیرقابل اعتماد است. همچنین از نظر بوش به سبب نگاه خصمانه‌ی دولت ایران نسبت به دولت و موجودیت اسرائیل نمی‌توان به ایران اعتماد کرد.

بنا به قرارداد NPT، ایران محق است همه‌ی روندهای علمی و تکنیکی موجود برای کسب انرژی هسته‌ای را - بدون کوچک‌ترین محدودیتی - مورد استفاده قرار دهد. حکومت تهران براین حق خود نیز پافشاری می‌کند.

ایران مایل است یک قدرت قوی در خاورمیانه شود، قدرتی که صدها سال پیش از

این، از نظر سیاسی - اقتصادی - علمی و فرهنگی بوده است.

به همین دلیل این کشور بر آن است که هیچ‌گونه تبعیضی را نپذیرد. این تبعیض را دولت ایران در کجا می‌بیند؟ به چند نمونه شاهد تاریخی پردازیم:

۱- برزیل چند قدم تا غنی کردن اورانیوم فاصله ندارد. ژاپن تاسیسات سلاح‌های غیراتمی را از نو در روکشور به‌راه انداخته است.

تاسیسات گرونا در متفالن (آلمان) ظرفیت خود را دو برابر کرده است. هند و پاکستان و اسرائیل با وجود همین شرایط به اسلحه‌ی اتمی دست یافته‌اند.

۲- کردتا برضد دولت منتخب و ملی مصدق در ایران به‌کوشش و پشتیبانی ایالت‌های متحد و «هم‌ردیفان» ایرانی آن و با پشتیبانی غرب (از جمله آلمان غربی) باعث ادامه‌ی ۲۶ سال حکومت جبار محمدرضا پهلوی در ایران شد و این عدم اعتماد عمیقی نسبت به آمریکایی‌ها و متحدانش در ایران به‌جای گذاشت.

۳- تمایل ایران به‌خلیج فارس سابقه‌ی تاریخی و قدیمی دارد. در جنگ خانمانسوز و تخریب‌کننده‌ی ۸ ساله‌ی عراق - ایران که به‌پشتیبانی آمریکا و فرانسه و دیگر متحدانشان از طرف عراق آغاز شد، خسارت بی‌حد و حصر مالی و جانی برای هر دو طرف جنگی به‌بار آورد. منافع ایالت‌های متحد آمریکا نه تنها نفت را بلکه انقلاب ایران را هدف قرار داده بود. پنتاگون حتا به‌نظام صدام حسین برای حمله به ایران در دادن بمب‌های شیمیایی نیز کوتاهی نکرد.

این جنایت‌ها هیچ‌وقت فراموش نخواهد شد. در این جنگ تنها ۶۳ حمله با بمب شیمیایی صورت گرفت میلیون‌ها نفر از هر دو طرف بدون سر و صورت و شناخته نشده جان خود را از دست دادند، هزاران نفر هتوز پیدا نشده‌اند. از مسایل دیگر که بگذریم تنها تجربه‌های جنگ یاد شده کافی است که اعتماد مردم ایران علیه ایالت‌های متحد آمریکا را از بین برده باشد.

سران نظام می‌خواهند که سیاست ضربه‌پذیری ایران را دیگر از میان بردارند. لازم است یادآور شویم که نظام صدام حسین با کمک آمریکایی‌ها تاسیسات اتمی بوشهر در ایران را - که تاسیسات آن در زمان شاه آغاز شده بود - در این جنگ از بین برد. ایالت‌های متحد به‌روحانیان حاکم نظام ایران اجازه‌ی ساخت مجدد این تاسیسات را نداد، و آن را بلوکه کرد.

ایران در عمل به ایجاد روابط اقتصادی متناسب با غرب علاقه مند است. این ارتباطها سابقه‌ی تاریخی طولانی در تاریخ نوین ایران دارد. به همین دلیل ایران برضد هرگونه تحریم اقتصادی از طرف ایالت‌های متحد و کشورهای عضو پارلمان اروپاست و برای بازگشایی روابط عادی دیپلماتیک و طبیعی با این کشورها کوشش می‌کند. در ضمن ایران مایل است که عضو سازمان تجارت جهانی (WTO) شود.

قبول ایران به عنوان یک قدرت اتمی از طرف کشورهای غربی، به خصوص ایالت‌های متحد می‌تواند به گسترش تسلیحات اتمی در سراسر خاورمیانه منجر شود. بمب اتمی ایران همچنان می‌تواند به خصوص پافشاری بعضی از کشورها مانند عربستان سعودی، ترکیه و یا سوریه را به خواست تسلیحات اتمی خودی بکشاند. هنگامی که مسأله‌ی اتمی ایران در پاییز سال ۲۰۰۴ به اوج خود رسید، جمهوری فدرال آلمان و دیگر کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا در ابتدا مذاکره‌ی سیاسی را مطرح کردند.

تنها به این ترتیب برای نظام ایران ممکن بود که بتواند با تعلیق غنی کردن اورانیوم دوباره در میان جهانیان چهره‌ی خود را به نیکی نشان دهد. بعد از این که این سه کشور یعنی انگلیس - فرانسه و آلمان به موضع تبیض آمیز آمریکا روی آوردند ایران باید برای همیشه و در اصل از غنی کردن اورانیوم صرف نظر کند؛ این مذاکره‌ها در یک ماهه‌ی گذشته به تدریج پیچیده‌تر شدند.

کره قمار می‌کند

در ژانویه‌ی ۲۰۰۳ کره‌ی شمالی (جمهوری دموکراتیک خلق کره) اعلام کرد که از NPT بیرون می‌آید و به کنترل سازمان انرژی اتمی خاتمه می‌دهد. بعد از آن قرارداد با ایالت‌های متحد در مورد همکاری دوجانبه نیز خاتمه یافت. ملاقات‌های معروف به شش کشور اروپایی و آمریکا آغاز شد که تاکنون هیچ نتیجه‌ای نداشته‌اند. سال ۲۰۰۵ گفته شد که کره‌ی شمالی صاحب سلاح اتمی است. چرا کار به این جا کشیده شد؟

یک دلیل مشخص (روشن) برای عملکرد مغرورانه‌ی کره‌ی شمالی سیاست تهدید آمیز نظامی و واشنگتن است. پیونگ یانگ در کنار منافع اقتصادی به تضمین امنیتی کشورش فکر می‌کند، چرا که مرتب از طرف ایالت‌های متحد تهدید می‌شود. کره‌ی شمالی از طرف ایالت‌های متحد در جرگه‌ی کشورهای خبیث جای گرفت. اگرچه بوش

از سیاست «گرمای خورشیدی» کره‌ی جنوبی پشتیبانی نمی‌کند، کره‌ی جنوبی بر این سیاست پافشاری می‌کند. چین نیز مخالف سیاست اتمی شدن کره است. نه تنها با تسلیحات اتمی در شمال کره مخالف است، بلکه از سیاست کره‌ای بدون تسلیحات اتمی، و از جمله بیرون کشیدن تسلیحات اتمی آمریکایی از کره‌ی جنوبی، حمایت می‌کند. روسیه احساس خطری از جانب کره‌ی شمالی نمی‌کند، با وجود این با اتمی شدن این کشور مخالف است. واشنگتن هنوز حاضر به توافق به حل مشترک در مورد کره نیست. با این همه کوشش پیونگ یانگ در مورد اتمی شدن کشور غیرقابل توجه و غیرقابل بحث است. در واقع این عملکرد اگر در روند اقدامات طبیعی قرار نگیرد می‌تواند در شمال شرقی آسیا سیاست سابقه‌ی تسلیحاتی بین ژاپن و کره‌ی جنوبی و چین را به دنبال داشته باشد.

برنامه‌ی اتمی ژاپن

ژاپن کشوری است با جمعیت متراکم و بسیار زیاد که دشمنان بالقوه‌ی آن در نزدیکی آن مستقر هستند؛ به عبارت دیگر برای ضربه و حمله‌های اتمی بسیار نقطه‌ی حساسی است.

مساله‌ی ثانوی خاطره‌ی دهشتناک مربوط به هیروشیما و ناگازاکی است که هنوز فراموش نشده‌اند. در کنار این مسایل حق دارا بودن تسلیحات اتمی در مقام یک کشور اتمی بودن اهمیت عظیمی کسب می‌کند تا روح ملی مجروح سلامتی خود را بازیابد و قدرتش در مقابل ایالت‌های متحد نشان داده شود.

بلندپروازان ژاپنی به سبب احساسات ناسیونالیستی و غرور ملی مایلند به تسلیحات هسته‌ای برسند و بدان نمی‌آید که برای توجیه خواست خود، به هدف رسیدن به تسلیحات اتمی، داشتن تسلیحات اتمی کره‌ی شمالی را خوشآمد بگویند. این‌ها همه به این معنا نیستند که مسابقه‌ی تسلیحات هسته‌ای در آسیای شمال شرقی اجتناب‌ناپذیر است.

ایالت‌های متحد آمریکا جهت را تعیین می‌کند

۴۶۱ آمریکا حق رهبری و هدایت عدم گسترش سلاح‌های اتمی و روند مربوط به آن را

برای خود قابل شده است، در عین حال مانند دوران جنگ سرد موتور اصلی در مسابقه‌ی تسلیحات اتمی بوده و هست. ایالت‌های متحد نخستین کشوری بود که به سلاح اتمی دست یافت و به عنوان نخستین قدرت جهانی در ناکازاکی و هیروشیما به کار گرفت. همچنین این سلاح را به عنوان تهدید اصلی به خود داده است تا نخستین کشوری باشد که بتواند از این سلاح علیه کشورهای خبیث استفاده کند.

در واقع این تهدیدها باعث شد که دیگر کشورها برای دسترسی به بمب اتمی تحریک شوند و همین طور نیز شد. ایالت‌های متحد هیچ وقت در عمل کار خود را در مورد تولید نمونه‌های جدید تسلیحات اتمی کنار نگذاشته است. در این جا مورد سلاح‌های به اصطلاح «توترونی - هومان» لازم به یادآوری است. موارد دیگر بمب‌های هسته‌ای کوچک (مینی)، که امروزه بسیار مشهورند، و همچنین سفینه‌های کیهانی حامل بمب‌های هسته‌ای که به ظاهر برای مقاصد دفاعی و در واقع جز برای فریب مردم، ساخته نشده‌اند، باید نام برد. در حقیقت، مساله برسر سرکردگی (هژمونی) و تسلط ایالت‌های متحد و کنترل جهان است.

برنامه‌ی امنیتی موجود برای تسلیحات هسته‌ای همچنان ادامه دارد. این برنامه در زمان کلیتون در موسسه‌ی آزمایشگاهی دولتی لیورمور و آلاس (شهری که نخستین سلاح اتمی ایالت‌های متحد در آن ساخته شد) پرریزی شد، و بوش به این برنامه بعد تازه‌ای داده و آن را ادامه می‌دهد.

در این مورد می‌توان از یک سری از مدرن‌ترین تسلیحات جدید ایالت‌های متحد نام برد که جای آن در این مقال نیست. کافی است که تنها اشاره شود که این پژوهش‌ها بودجه‌ای بیش از ۹ میلیارد دلار در سال، که برای مجموعه‌ی بودجه‌ی نظامی نزدیک به ۵۰۰ میلیارد دلاری تسلیحات نظامی است شاید به نظر رسد که زیاد نباشد؛ لیکن باید خاطر نشان ساخت که این بودجه ۱/۵ برابر مبلغی است که آمریکا در جنگ سرد برای پژوهش‌های تسلیحات هسته‌ای می‌پرداخت.

به این دلیل شرایط متناقضی به وجود می‌آید که به جای کوشش در راه جنبش عدم گسترش سلاح‌های اتمی عده‌ی بی شماری از کشورها با همه‌ی وسایل موجودی که در اختیار دارند به دنبال تسلیحات هسته‌ای بتازند، تا به این وسیله از زیر فشار و تهدید سیاسی و نظامی آمریکا خارج شوند.

تا زمانی که آمریکا همچنان به دنبال تکمیل لحظه به لحظه تسلیحات اتمی خویش باشد، تا هنگامی که از مسأله‌ی به‌کارگیری از اتم به‌عنوان نخستین کشور - در جنگ - صرف‌نظر نکند، تا هنگامی که کشورها را به‌دسته‌های بد و خوب تقسیم کند و تا زمانی که نقشه‌ی آن (هدف آن) ردگیری کشورهای «خبیث» باشد، یا به‌عبارت دیگر تا این شرایط از بین نروند، عکس‌العمل‌های منفی و همراه با تردید و شک همچنان دنباله‌ی این سیاست‌ها خواهد بود.

جمهوری فدرال آلمان و مسأله‌ی تسلیحات اتمی

جمهوری فدرال آلمان باید به تسلیحات اتمی آمریکا در آلمان خاتمه دهد. جمهوری فدرال آلمان نیز می‌تواند و باید در زمینه‌ی تحدید و عدم گسترش سلاح‌های اتمی پیش‌قراول دیگر کشورهای اروپای غربی باشد. امروزه در غرب اروپا هنوز - به‌دنباله‌ی جنگ سرد و به‌عنوان بهای آن - به‌تقریب ۵۰۰ اسلحه‌ی اتمی آمریکایی آماده‌اند تا در جنگ ضد کشور سوم به‌کار گرفته شوند. از این تعداد ۱۵۰ عدد آن در کشور آلمان مستقرند. این تسلیحات می‌توانند به‌امرییس جمهوری آمریکا و با هواپیماهای تورندا (Tornado) و به‌وسیله‌ی خلبانان آلمانی به‌پرواز درآیند. آلمان از این جهت و به‌این ترتیب «سهم اتمی» خود را حفظ کرده است. در بوشل (در آلمان فدرال)، قسمتی از این سلاح‌ها بخش‌های پهناوری از شرق و اروپای میانه را هدف قرار داده‌اند. این نیروی بالقوه‌ی خطرناکی است. باید اذعان کرد که با این تسلیحات هسته‌ای نه پیروزی مطمئنی برای جمهوری فدرال آلمان و نه برای اروپا می‌تواند حاصل شود.

به‌همین دلیل صلح جهانی از طرفی نیز از این طرف در خطر است. به‌این جهت باید این تسلیحات از اروپا خارج شوند. جمهوری فدرال آلمان می‌توانسته است: - وظایف مربوط به‌منشور حقوق ملل در مورد صرف‌نظر کردن از سلاح‌های هسته‌ای را اجرا کند.

- شرکت فعالانه‌ای در زمینه‌ی عدم گسترش سلاح‌های اتمی به‌عهده گیرد. - از این نظر که تسلیحات هسته‌ای هیچ‌گونه ارزش دفاعی ندارد دفاع کند، و به‌این وسیله دیگر کشورها را تهییج و به‌تشریک مساعی ترغیب کند.

دولت جدید جمهوری فدرال آلمان باید هرچه سریع‌تر در این مورد اقدام‌های لازم را انجام دهد و قراردادهای دوجانبه‌ی آمریکا را در مورد تسلیحات اتمی آمریکایی‌ها که در آلمان مستقر هستند منعقد سازد و همچنین عدم همکاری خود در زمینه‌ی خلع سلاح اتمی را توضیح و به آن خاتمه دهد.

سیاستمداران آلمانی از احزاب حاکم و اپوزیسیون در مجلس در ماه مه‌ی سال ۲۰۰۵ همه‌پرسی درباره‌ی قراردادی در مورد توقف سلاح‌های هسته‌ای در کشور دنبال کردند. بنابراین همه‌پرسی، ۹۵ درصد از مردم از این قرارداد پشتیبانی کردند.

دورنماها

در مورد عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای از طرف یک سری کارشناسان مشهور پیشنهادهایی داده شده است که مجموعه‌ای را در بر دارند.

کشورهای دارای سلاح‌های اتمی باید به‌وظایف خود در مورد تحدید سلاح‌ها، آن‌گونه که در قرارداد عدم گسترش سلاح‌های اتمی آمده است، توجه کرده و به آن عمل کنند. این کشورها باید به‌وظایفشان در مورد عدم تهدید کشورهایی که مجهز به سلاح اتمی نیستند عمل کنند.

ایالت‌های متحد، روسیه و شش کشور صاحب سلاح‌های هسته‌ای باید در عمل خود را به اقدام‌هایی در جهت کم کردن خطر یک جنگ غیرقابل پیش‌بینی اتمی موظف کنند با توجه به این که استراتژی گام‌به‌گام خود را در مورد تحدید سلاح‌های اتمی آماده سازند. شورای امنیت سازمان ملل متحد باید در قبال حمله‌ی هسته‌ای یا تهدید این چنینی به یک کشور بدون سلاح اتمی، اقدام‌های مشترک اتخاذ کند.

کشورهای خارج از NPT مانند هند، پاکستان، اسرائیل و کره باید در عمل از پیشروی تسلیحاتشان جلوگیری کنند و قراردادی را امضا کنند که ممنوعیت تولید ساده‌ی منفجره‌ی اتمی را باعث می‌شود.

این‌ها دست‌کم خواست‌های کمونیست‌ها و نیروهای معتقد به صلح هستند که می‌توانند در روند مثبتی پایه‌های عینی برای جلوگیری از جنگ اتمی شوند.